

۵- جملات مجهول

وقتی از جمله مجهول استفاده می‌کنیم، فقط عملی که انجام شده اهمیت دارد و اینکه چه کسی یا چه چیزی باعث انجام کار شده است، مهم نیست. بنابراین ممکن است کننده عمل ذکر نشود و یا در آخر جمله با حرف اضافه by ذکر شود.

am/is/are + pp	حال ساده
am/is/are + being + pp	حال استمراری
have/has + been + pp	حال کامل
was/were + pp	گذشته ساده
was/were + being + pp	گذشته استمراری
had + been + pp	گذشته بعید
will/can/could/must/should/may/...+ be + pp	افعال کمکی
have to/has to/be going to/want to + be + pp	
seem to have/would have/might have/should have + been + pp	

The car is usually washed. (by my brother)

She isn't often invited to parties.

The room is being cleaned right now.

The room looks nice. It has been cleaned.

This house was built 100 years ago.

The room was being cleaned when I arrived.

The room looked nice. It had been cleaned.

Something must be done before it's too late.

A new supermarket is going to be built next year.

This room has to be cleaned right now.

The room should have been cleaned.

The letter might have been sent to the wrong address. (احتمالاً نامه به آدرس اشتباه فرستاده شده.)

نکته: بعضی افعال دو مفعول دارند، بنابراین برای آنها می‌توان دو جمله مجهول نوشت:

We gave the **police** the **information**.

1. The information was given to the police.

2. The police were given the information.

❖ افعال دو مفعولی:

give, ask, offer, pay, show, teach, tell, sell, feed, allow, lend, send,...

- هنگامی که دو فعل پشت سر هم به کار می‌روند، اگر فعل دوم مصدر باشد (to + verb) در حالت مجهول به to be + pp تبدیل می‌شود و اگر فعل دوم به فرم ing باشد (verb + ing) در حالت مجهول به being + pp تبدیل می‌شود.

I **don't** like people **telling** me what to do.

I don't like **being told** what to do.

- مصدر معلوم: to + verb و مصدر مجهول: to be + pp، اما برخی از مصدرهای معلوم وجود دارند که از نظر ظاهر معلوم و از نظر معنا مجهول اند.

I have some homework to do. (= some homework to be done)

- افعالی که با ing بعد از need می آیند نیز، از نظر ظاهر معلوم و از نظر معنا مجهول اند.

This car needs washing. (= this car need to be washed)

- در جمله‌هایی که با there شروع می‌شوند، می‌توان هم مصدر معلوم و هم مصدر مجهول به کار برد.

There are some letters to write/to be written.

- در جملات مجهول بعضی اوقات به جای be از get استفاده می‌شود:

I don't often get invited to parties.

نکته: get فقط در مواقعی استفاده می‌شود که کاری به طور تصادفی و غیرمنتظره اتفاق بیفتد (بدون آن که اراده‌ای در کار باشد):

Our dog got run over by a car.

اما در بقیه موارد نمی‌توان از get استفاده کرد:

Jill is liked by everybody.

جمع‌بندی افعال مجهول

کامل استمراری * (perfect continuous)	کامل (perfect)	استمراری (continuous)	ساده (simple)	
<p>have/has + been + being + PP The letter has been being written. نامه مشغول نوشته شدن بوده است.</p>	<p>have/has + been + PP The letter has been written. نامه نوشته شده است.</p>	<p>am/is/are + being + PP The letter is being written. نامه دارد نوشته می‌شود.</p>	<p>am/is/are + PP The letter is written. نامه نوشته می‌شود.</p>	حال (present)
<p>had + been + being + PP The letter had been being written. نامه مشغول نوشته شدن بود.</p>	<p>had + been + PP The letter had been written. نامه نوشته شده بود.</p>	<p>was/were + being + PP The letter was being written. نامه داشت نوشته می‌شد.</p>	<p>was/were + PP The letter was written. نامه نوشته شد.</p>	گذشته (past)
<p>will + have + been + being + PP The letter will have been being written. نامه مشغول نوشته شدن خواهد بود.</p>	<p>will + have + been + PP The letter will have been written. نامه نوشته شده است. (قبل از زمانی در آینده)</p>	<p>will + be + being + PP The letter will be being written. نامه در حال نوشته شدن خواهد بود.</p>	<p>will + be + PP The letter will be written. نامه نوشته خواهد شد.</p>	آینده (future)
<p>would + have + been + being + PP The letter would have been being written. نامه می‌خواست در حال نوشته شدن باشد.</p>	<p>would + have + been + PP The letter would have been written. نامه می‌خواست نوشته شود (ولی نشد).</p>	<p>would + be + being + PP The letter would be being written. شاید نامه در حال نوشته شدن باشد.</p>	<p>would + be + PP The letter would be written. شاید نامه نوشته شود.</p>	آینده در گذشته (future in the past)

۶- عادت داشتن

used to

مثبت: مصدر بدون to + used to
 منفی: مصدر بدون to + use to + didn't
 سؤالی: مصدر بدون to + use to + Did

از **used to** فقط در زمان گذشته و در موارد زیر استفاده می‌شود:

- برای بیان اعمالی استفاده می‌کنیم که در گذشته (به طور منظم) انجام می‌داده‌ایم، ولی در حال حاضر دیگر آنها را انجام نمی‌دهیم.

I used to read a lot of books, but I don't read much.

I didn't use to lock the door.

- برای بیان موضوعی که در گذشته حقیقت داشته است، ولی امروز دیگر درست نیست.

This building is now a furniture store. It used to be a movie theater.

نکته: به جای **used to** می‌توان از **would** استفاده کرد، اما با افعال حالت از **would** استفاده نمی‌شود.

She would leave the door unlocked whenever she was at home. (she'd leave the door unlocked whenever she was at home.)

be used to

- این فعل به معنای «عادت داشتن» است و در همه زمان‌ها استفاده می‌شود. این فعل عادت داشتن به عمل یا حالتی را نشان می‌دهد که برایمان بیگانه و عجیب نیست. بعد از **be used to** یک اسم یا ضمیر یا فعل با فرم **ing** به کار می‌رود.

I used to live alone. (در گذشته تنها زندگی می‌کردم (اما دیگر تنها زندگی نمی‌کنم).)

I am used to living alone. (من عادت دارم که تنها زندگی کنم (و این موضوع عجیب و جدیدی نیست).)

I wasn't used to hot weather.

Are you used to life in a big city? No, I'm not used to it.

get used to

- این فعل به معنای «عادت پیدا کردن» است و هنگامی از آن استفاده می‌کنیم که بخواهیم بگوییم کسی در حال عادت کردن به چیزی است، ولی هنوز کاملاً به آن عادت نکرده. بعد از **get used to** یک اسم یا ضمیر یا فعل با فرم **ing** به کار می‌رود.

I'm trying to get used to life in a big city.

۷- احتمال و اطمینان

- برای بیان احتمال در حال و آینده از **may** یا **might** و یا از **could** استفاده می‌کنیم. البته **could** احتمال ضعیفی را نشان می‌دهد.

مصدر بدون **to** + **might/may** + فاعل
 سؤالی: مصدر بدون **to** + فاعل + **might/may**
 منفی: مصدر بدون **to** + **not** + **might/may** + فاعل

I **may/might** go to the movies tonight = perhaps I will go to the movies tonight.

May I ask a question?

Sonia **may not** come to the party.

The phone's ringing. It **could be** Matt.

- استفاده از **may** یا **might** تفاوتی با هم ندارد، اما برای موقعیت‌هایی که واقعی نیستند فقط از **might** استفاده می‌کنیم:
 If I **knew** them better, I **might** invite them to the party.

اگر آنها را بهتر می‌شناختم، احتمالاً آنها را به مهمانی دعوت می‌کردم.

- از **may/might/could** در شکل استمراری نیز می‌توان استفاده کرد:

فرم **could/may/might + be + ing**

Don't phone me at 8:30. I **might be** watching TV. (= perhaps I will be watching TV.)

- همچنین از این شکل استمراری برای بیان برنامه‌های احتمالی خود استفاده می‌کنیم:

I **may/might be** going to Mexico in July.

نکته: عبارت **we may/might as well do** یعنی: «بهترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم یا چاره‌ای نداریم».

Rents are so high these days, you **may as well** buy a house.

- در حالت اطمینان منفی از **can't** استفاده می‌کنیم یعنی غیر ممکن است.

He **can't be** in Italy. I saw him an hour ago.

- برای بیان احتمال در زمان گذشته یعنی وقتی بخواهیم بگوییم امکان دارد عملی در گذشته انجام شده باشد از ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

could/may/might + have + PP
 حالت منفی **could/may/might + not + have + PP**

She **may have known** about it. (perhaps she **knew**...). شاید چیزی راجع به آن می‌دانسته است.

She **could have done** her homework.

He **may not have seen** you. احتمالاً (ممکن است) تو را ندیده است.

- برای بیان اطمینان از *will certainly* یا *surely* یا *definitely* و یا از *must* استفاده می‌شود.

She'll certainly get the job.

She certainly won't get the job.

You've been working all day. You must be tired.

- برای بیان اطمینان در زمان گذشته از *must + have + PP* استفاده می‌شود.

All the streets are wet. It must have rained last night. (با اطمینان) حتماً دیشب باران باریده است.

There's nobody at home. They must have gone out.

Those two girls look very much alike. They must be sisters.

- وقتی از درست نبودن چیزی اطمینان داریم از *must not* استفاده می‌کنیم:

Carol takes the bus everywhere. He must not have a car.

- در حالت منفی یعنی وقتی بخواهیم بگوییم غیر ممکن است عملی در گذشته انجام شده باشد از *can't + have + PP* یا *couldn't + have + PP* استفاده می‌شود.

He was too far away, so he can't/couldn't have seen you. غیرممکن است تو را دیده باشد.

نکته ۱: معنی *couldn't* با *may/might not* فرق می‌کند، چرا که در حالت *may/might not have + PP* احتمالاً عمل در گذشته انجام نشده، اما در حالت *could not have + PP* غیر ممکن است که عمل در گذشته انجام شده باشد.

نکته ۲: تفاوت *can't* و *must not* نیز در این است که *cannot* به معنای امکان‌ناپذیر بودن چیزی است و *must not* به معنای این است که «قاعدتاً این چنین نیست که...».